

حمله جنایتکارانه آمریکا به قشم به ضربات موشکی نیروهای مسلح به پایگاه‌های این کشور و توقف نفتکش‌های متخلف پاسخ داده شد

انتقام سینا



گروه سیاسی: پس از چند روز سکوت در جنگ، آمریکا بار دیگر با از سرگیری حملات هوایی علیه اهدافی در خاک کشورمان، نشان داد رویکرد تهاجمی و خصمانه خود را قرار نیست کنار بگذارد.

بامداد پنجشنبه هفته گذشته، ارتش آمریکا حمله‌ای جنایتکارانه را به منطقه‌ای مسکونی در جزیره قشم انجام داد.

بر اساس اعلام رسمی سپاه پاسداران، این حمله با استفاده از بمب‌های سنگرشکن به ۲ خانه مسکونی ساده در جزیره قشم انجام شد. حمله در حالی انجام شد که ساکنان خانه‌ها در خواب بودند. در نتیجه این اقدام، پدر، مادر و کودک ۲ ساله‌شان به شهادت رسیدند و ۲ کودک دیگر مجروح شدند.

مناطق مسکونی هدف گرفته شده از سوی آمریکا هیچ نشانه نظامی نداشتند، در منطقه‌ای غیرنظامی و محلی قرار داشتند و شهدا نیز افراد عادی بی‌گناه بودند.

این حمله نمونه‌ای آشکار از هدف‌گیری عامدانه مناطق مسکونی و غیرنظامی از سوی ایالات متحده است. ماجرای شهادت «سینا جعفری» ۲ ساله و پدر و مادرش به یکی از تراژدی‌های جنگ تبدیل شد.

طبیعتا پس از این اقدام، نیروهای مسلح ایران دست به عملیات متقابل زدند. طبق اطلاعیه‌های رسمی روابط عمومی سپاه پاسداران که روز پنجشنبه منتشر شد، نیروی هوافضای سپاه با شلیک چندین فروند موشک

بالستیک، رمب استقرار و سوله تعمیراتی جنگنده‌های «اف ۳۵» آمریکا در پایگاه هوایی الارزق اردن را هدف قرار داد. سپاه در بیانیه خود با جزئیات اعلام کرد در این حمله، ۳ فروند هواپیمای «اف ۳۵» به طور کامل منهدم شد و به ۳ فروند دیگر خسارت سنگینی وارد آمد. همچنین چند افسر و کادر فنی و تعمیراتی دشمن نیز در جریان این عملیات به هلاکت رسیدند.

این حمله به عنوان بخشی از ادامه عملیات «نصر ۲» و در پاسخ مستقیم به حمله به قشم بود. سپاه تأکید کرد این عملیات با دقت بالا و با هدف وارد آوردن خسارت مؤثر به توان هوایی دشمن طراحی و اجرا شد.

سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای دیگر، خبر از عملیات دیگری علیه پایگاه هوایی آمریکا در علی‌السالم کویت داد. بر این اساس، ۲ آشیانه پهپادی و یک مخزن سوخت هواپیما و بالگردهای نظامی در این پایگاه به آتش کشیده و منهدم شد.

در بخش دریایی نیز که اهمیت استراتژیک ویژه‌ای دارد، نیروی دریایی سپاه روز گذشته اعلام کرد ۲ نفتکش متخلف که تحت تأثیر اظهارات و اغواگری‌های سنتکام و با اسکورت هوایی ارتش آمریکا تلاش کرده بودند از مسیر غیراعلامی ونامن‌از تنگه هرمز عبور کنند، مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند. ۴ نفتکش دیگر نیز به‌سرعت تغییر مسیر داده و بازگشتند.

سپاه هشدار داد مداخلات و امر و نهی‌های غیرقانونی آمریکا به شناورها در منطقه بی‌پاسخ نخواهد ماند.

ضمنی آن تفاهم را نقض و زمینه را برای کشتیرانی و شرکت‌های بیمه توصیه شد به اطلاعیه‌های سنتکام توجه نکنند و از کسانی که فریب خورده و دچار حادثه شده‌اند، سؤال کنند. پس از نقض تفاهمنامه اسلام‌آباد توسط دونالد ترامپ، این دومین باری است که آمریکا به جنگ علیه ایران بازمی‌گردد و تلاش می‌کند حاکمیت و مدیریت ایران بر تنگه هرمز را تضعیف کند. تفاهمنامه اسلام‌آباد به عنوان چارچوبی برای پایان جنگ و آغاز مذاکرات و ایجاد نوعی آرامش موقت مطرح شده بود و

حالا توسط دولت آمریکا زیر پا گذاشته شده است. ترامپ با تصمیم بازگشت به سیاست فشار حداکثری و عملیات نظامی، تعهدات ضمنی آن تفاهم را نقض و زمینه را برای از سرگیری کامل تقابل نظامی فراهم کرد. مشخصا هدف اصلی واشنگتن از آغاز دوباره درگیری‌ها، بازگرداندن وضعیت تنگه هرمز به شرایط پیش از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران است؛ شرایطی که در آن عبور شناورها تحت نظارت و کنترل ضمنی آمریکا انجام می‌شد.

با این حال، ایران از زمان آغاز جنگ ۴۰ روزه تاکنون که ۵ ماه از آن می‌گذرد، به طور مداوم با اقدامات عملی نشان داده شرایط

آمریکایی در یک جنگ زمینی یا به رسمیت شناختن کنترل تهران بر تنگه هرمز، آنچنان ناخوشایند هستند که عبارت «هیچ گزینه خوبی وجود ندارد» به یک کلیشه تبدیل شده است. لایل گلدستاین، مدیر بخش تعاملات آسیا در اندیشکده آمریکایی «ولوپت‌های دفاعی» گفت: ما واقع در یک مخمصه گرفتار شده‌ایم.

ترامپ در حال آفرینش یک فاجعه اقتصادی برای جهان و یک اقتضاح سیاسی برای جمهوری‌خواهان است و میزان رضایت از عملکرد او در رابطه با ایران به زیر ۳۰ درصد سقوط کرد: «اگر هرمز همچنان به عنوان یک منطقه ممنوعه برای اکثر کشتی‌های غیرنظامی باقی بماند، تبعات ناگوار جنگ وخیم‌تر خواهد شد، چرا که ذخایر جهانی نفت کاهش می‌یابد، قیمت محصولات نفتی مانند گازوئیل و کودهای شیمیایی به‌شدت بالا می‌رود و سایه کمبود احتمالی گاز طبیعی مایع در زمستان امسال بر سر اروپا سنگینی می‌کند. ظهور کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان مقاصد لوکس گردشگری و پناهگاه مهاجران مرفه، توسط این جنگ در هم شکسته شد. دولت‌های تضعیف‌شده اروپا نیز به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی ناشی از جنگ، تحت فشار و تنبیه قرار گرفته‌اند. در ایالات متحده، این جنگ می‌رود تا دور دوم ریاست جمهوری ترامپ را تحت‌الشعاع قرار داده و آن را

ایران در رقابت فضایی قدرت‌ها

این مساله، ورود ده‌ها شرکت دانش‌بنیان به صنعت فضایی نیز اهمیت فراوانی دارد. طی سال‌های گذشته، حدود ۵۰ شرکت دانش‌بنیان به شبکه طراحی و تولید زیرسامانه‌های فضایی پیوسته‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد صنعت فضایی ایران دیگر یک فعالیت محدود دولتی نیست، بلکه به یک اکوسیستم گسترده فناوریانه تبدیل شده است. این تحول، علاوه بر حوزه دفاعی، آثار مهمی در حوزه‌های اقتصادی، کشاورزی، مخابراتی و صنعتی نیز دارد.

یکی از مهم‌ترین تحولات سال‌های اخیر، حرکت ایران از ساخت ماهواره‌های منفرد به سمت ایجاد منظومه‌های ماهواره‌ای بوده است. این تغییر، نقطه عطفی مهم در تاریخ موشنر شده، مورد بررسی قرار گرفته است. این ایده به معنای دریافت حق عبور از کشتی‌ها برای استفاده از تنگه نیست، بلکه به عنوان مشارکت در مدیریت این

شاید مهم‌ترین پروژه در این زمینه، منظومه «شهید سلیمانی» باشد؛ طرحی متشکل از ۲۴ ماهواره که ۱۸ ماهواره عملیاتی و ۶ ماهواره پشتیبان را در بر می‌گیرد. هدف

بررسی گزینه‌های محدود آمریکا میان جنگ پرهزینه و پذیرش نقش ایران در مدیریت هرمز

گره‌کور ترامپ

آبراه توسط کشورهای دارای ساحل در خلیج فارس در نظر گرفته شده. یکی از مدل‌های این طرح می‌تواند ترتیباتی مشابه تنگه مالاکا باشد که اقیانوس هند را به اقیانوس آرام متصل می‌کند و کشورهای سنگاپور، اندونزی و مالزی در آن مشارکت دارند. این توافق می‌تواند یک دستاورد استراتژیک برای تهران باشد و این پیام را منتقل کند: وضعیت تنگه قرار نیست به شرایط پیش از جنگ بازگردد و از این طریق تأکید کند تهران شکست نخورده و توانسته در طول درگیری با ایالات متحده، قدرت خود را حفظ کند.»

به اعتقاد سسی‌ان‌ان، این وضعیت یک سرشکستگی برای آمریکا خواهد بود: «گلدستاین گفت کمبود گزینه‌های ترامپ ممکن است به این معنا باشد که با وجود پیامدهای منفی قابل توجه، یک مصالحه اجتناب‌ناپذیر می‌شود. وی افزود این دقیقاً دردناک‌ترین مصالحه خواهد بود، زیرا ما به عنوان مردم آمریکا و ما به عنوان مردم غرب که قدرت‌های پیشرو جهانیم، برای مدتی بسیار طولانی اصرار داشته‌ایم آزادی نابوری یکی از اصول بنیادین و شاخص ماست.» به عقیده این رسانه، ترامپ دیگر حتی نمی‌تواند برای مساله ایران روی متحدان اروپایی خود و ابتکارات آنها حساب کند، چون دائما آنها را تحقیر کرده و رابطه فراتلانتیک، اکنون ویران شده است: «بیشتر

بنیادین معادله قدرت در خلیج فارس است. در تمام این مدت، آمریکا به هر دری زده تا از تثبیت وضعیت جدید جلوگیری کند. از اسکورت نظامی مستقیم شناورها گرفته تا انتشار بیانیه‌های مکرر و هماهنگ درباره باز بودن تنگه و آزادی تردد برای همه، انجام حملات هوایی به اهداف ایرانی در نزدیکی آبراه و سواحل جنوب، تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های دریایی منطقه‌ای و حتی فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی بر کشورهای همسایه، همگی بخشی از تلاش‌های گسترده واشنگتن برای بازگرداندن کنترل پیشین بوده. با این وجود، هر بار آمریکا این مسیرها را آزموده، با شکست تاز‌های روبه‌رو شده است. نفتکش‌ها و شناورهایی که بدون هماهنگی با نیروهای ایرانی یا با اتکا به اسکورت آمریکایی‌ها اقدام به عبور از مسیرهای غیرمجاز کرده‌اند، یا با مشکل عملی مواجه، یا ناچار به تغییر مسیر و بازگشت شده‌اند. این الگو در ماه‌های اخیر بویژه هفته‌های گذشته بارها تکرار شده و به‌تدریج اعتماد برخی شرکت‌های کشتیرانی به تضمین‌های آمریکا را از بین برده است.

حتی حرف درمائی ترامپ و سنتکام نیز اثری بر واقعیت میدانی نداشته است. مقامات آمریکا، از رئیس‌جمهورشان گرفته تا سخنگویان فرماندهی مرکزی، بارها و بارها تکرار کرده‌اند تنگه هرمز باز است، بین‌المللی است و همه می‌توانند آزادانه و بدون نیاز به هماهنگی با ایران عبور کنند. این اظهارات در قالب بیانیه‌های رسمی، مصاحبه‌ها و پیام‌های رسانه‌ای منتشر شده‌ه تا اطمینان خاطر به بازارهای انرژی و شرکت‌های کشتیرانی بدهد اما کشتی‌ها و شناورهای حاضر در منطقه، بر اساس تجربه عملی ماه‌های اخیر و مشاهدات میدانی، دریافته‌اند برای تردد ایمن و بدون حادثه از تنگه هرمز، باید رضایت و هماهنگی ایران را جلب کنند، نسه اینکه به اظهارات و تضمین‌های لفظی واشنگتن اعتماد کنند.

نیروی دریایی سپاه نیز بارها هشدار داده مداخلات غیرقانونی آمریکا در امور کشتیرانی منطقه بی‌پاسخ نمی‌ماند و هرگونه تلاش شناورها و کشتی‌های تجاری برای بی‌اعتنایی به هشدارهای ایران، هزینه خواهد داشت.

رؤسای جمهور مدرن تا پیش از این، برای گسترش فشار دیپلماتیک علیه ایران از متحدان ایالات متحده کمک می‌گرفتند. برای مثال، اروپا موتور محرک حیاتی دیپلماسی‌ای بود که به توافق هسته‌ای در دولت اوباما منجر شد اما ترامپ به اتحاد فرآ‌اتلانتیک آسیب عمیقی وارد کرد و با موجی از تعرفه‌ها و توهین‌هایش، با متحدان دیرینه مانند دشمنان رفتار می‌کند. او پیش از آغاز جنگی که از نظر متحدان ایالات متحده غیرقانونی و نابخردانه تلقی شد، از مشورت با بسیاری از آنها خودداری کرد. با این حال، آنها را به دلیل عدم مشارکت در اقدام نظامی ایالات متحده نیز سرزنش کرد. نتیجه این است که رهبران اروپا که از نظر سیاسی ضعیف شده‌اند، اکنون انگیزه چندانی برای کمک به او ندارند. محدودیت‌هایی نیز برای آنچه متحدان ناتو می‌توانند انجام دهند، وجود دارد.»

در نهایت به نظر تلویزیون سسی‌ان‌ان، تمام جهان حالا مشغول پرداخت هزینه کدون بودن ترامپ است: «کشورهای حاشیه خلیج فارس و قدرت‌های اروپا نیز تاوان سنگینی برای اتانوائی ترامپ در پایان دادن به جنگی که به راه انداخت، می‌پردازند. اگر واشنگتن و تهران نتوانند به‌زودی از این چرخه مخرب تکرارنشده بگریزند، بگردان چاره‌ای نخواهند داشت جز اینکه به آنها کمک کنند تا از این وضعیت خارج شوند.»

زمین به فضا منتقل شده است. آمریکا، چین، روسیه، هند و کشورهای اروپا میلیاردها دلار در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و می‌کوشند سهم بیشتری از اقتصاد فضایی جهان را در اختیار بگیرند. ایران نیز با وجود محدودیت‌های فراوان، تلاش کرده جایگاه خود را در این رقابت تثبیت کند. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد برنامه فضایی کشور از مرحله آزمون و خطا عبور کرده و وارد مر حله تثبیت و توسعه شده است. شاید مهم‌ترین درس جنگ اخیر نیز همین باشد؛ اینکه میدان نبرد آینده، تنها در خشکی، دریا یا هوا تعریف نخواهد شد. فرماندهان فردا، بیش از آنکه به نقشه‌های کاغذی تکیه کنند، به داده‌هایی متکی خواهند بود که صدها کیلومتر بالاتر از سطح زمین جمع‌آوری شده‌اند. در این میان، کشورهای موفق‌تر خواهند بود که بتوانند میان دانشگاه، صنعت، اقتصاد و امنیت ملی پیوندی پایدار ایجاد کنند. تجربه ۳ دهه گذشته نشان می‌دهد ایران، دست‌کم در این مسیر، گام‌های مهمی برداشته است؛ گام‌هایی که شاید امروز تنها بخشی از نتایج آنها آشکار شده باشد اما آثار اصلی آنها در سال‌های آینده نمایان خواهد شد. فضا دیگر مرز ناشناخته بشر نیست، بلکه به میدان تاز‌های برای رقابت قدرت‌ها تبدیل شده و ایران نیز تصمیم گرفته در این میدان، صرفا یک تماشاگر نباشد.

ادامه از صفحه اول
این مجموعه در توسعه و ساخت ماهواره‌هایی مانند- «سینا ۱»، «مید-۴»، «صد»، «فجر»، «هافت ۱»، «کیهان ۲»، «چمران ۱»، «فخر ۱» و «پایا» نقش محوری ایفا کرده و به یکی از ستون‌های اصلی فناوری فضایی کشور تبدیل شده است.

اهمیت این روند زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم بخش عمده‌ای از این پیشرفت‌ها در شرایط سخت تحریمی و در فضایی مملو از محدودیت‌های فنی و مالی حاصل شده است. به همین دلیل، بسیاری از اندیشکده‌های غرب، برنامه فضایی ایران را نمونه‌ای از «توسعه نامتقارن فناوری» می‌دانند؛ الگویی که در آن، محدودیت‌ها به انگیزه‌ای برای خودکفایی تبدیل شده است.

■ **جنگ‌های جدید؛ نبرد بر سر داده‌ها**

امروز ماهیت جنگ‌ها تغییر کرده است. اگر در گذشته، تعداد تانک‌ها، جنگنده‌ها و ناو‌های جنگی معیار اصلی قدرت محسوب می‌شد، امروز حجم داده‌ها، سرعت پردازش اطلاعات و توانایی تبدیل داده به تصمیم، اهمیت بیشتری یافته است. در چنین فضایی، ماهواره‌ها نقش کلیدی ایفا



تنگه